

قانون شوراهای حل اختلاف

جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

بسمه تعالی

وزارت دادگستری

قانون شوراهای حل اختلاف که در جلسه مورخ هجدهم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (85) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب گردیده و مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت موافقت و در تاریخ 16/5/1387 به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره 29675/20 مورخ 26/5/1387 مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد.

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور

جمعه 14 آذر 1393

صفحه اصلی

تاریخچه شورای حل اختلاف

شورای استان در یک نگاه

مجمعها و حوزهها

اخبار

قوانین

مصوبات کمیسیون حقوقی

مروری بر پرونده های مصالحه

آمار و عملکرد

بانک مقالات و پژوهش ها

پرسش و پاسخ

سوالات متداول

گزارشات تصویری

تماس با ما

قانون شوراهای حل اختلاف

مبحث اول: مقررات عمومی

ماده 1: به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار شورا نامیده می شود، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می گردد.

تبصره- تعیین محدود فعالیت جغرافیایی شورا در هر حوزه قضایی به عهده رئیس همان حوزه قضایی می باشد.

ماده 2: رئیس کل دادگستری استان می تواند برای رسیدگی به امور خاص به ترتیب مقرر در این قانون شوراهای تخصصی تشکیل دهد.

مبحث دوم: ترکیب اعضاء و چگونگی انتخاب

ماده 3: هر شورا دارای سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل است و می تواند برای انجام وظایف خود دارای یک دفتر باشد که مسئول آن توسط رئیس شورا پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذی ربط وی صادر می شود.

ماده 4: در هر حوزه قضایی یک یا چند نفر قاضی دادگستری که قاضی شورا نامیده می شوند مطابق مقررات این قانون انجام وظیفه می نمایند. قاضی شورا می تواند همزمان عهده دار امور چند شورا باشد.

ماده 5: قاضي شورا با ابلاغ رئيس قوه قضائيه از ميان قضات شاغل منصوب خواهد شد و احكام انتصاب ساير اعضاء شورا پس از اقرار شرايط توسط رئيس قوه قضائيه و يا شخصي كه توسط ايشان تعيين مي گردد، صادر مي شود.

مبحث سوم: شرايط عضويت

ماده 6: اعضاء شورا بايد متدين به دين مبين اسلام بوده و داراي شرايط زير باشند:

الف) تابعيت جمهوري اسلامي ايران

ب) اعتقاد و التزام عملي به قانون اسلامي جمهوري اسلامي ايران و ولايت مطلقه فقيه.

ج) حسن شهرت به امانت و ديانت و صحت عمل

د) عدم اعتياد به مواد مخدر يا روان گردان يا سكرآور.

هـ) دارا بودن حداقل 35 سال تمام

و) دارا بودن كارت پايان خدمت وظيفه عمومي يا معافيت از خدمت.

ز) دارا بودن مدرک کارشناسي جهت اعضاء شوراهاي حل اختلاف شهر.

ح) متأهل بودن.

ط) سابقه سكونت در محل شورا حداقل به مدت شش ماه و تداوم سكونت پس از عضويت.

ي) نداشتن سابقه محكوميت مؤثر كيفري و عدم محروميت از حقوق اجتماعي.

تبصره 1- براي عضويت در شورا دارندگان مدرک دانشگاهي يا حوزوي در رشته هاي حقوقي قضايي يا الهيات با گرايش فقه و مباني حقوق اسلامي در اولويت هستند.

تبصره 2- براي عضويت در شوراهاي مستقر در روستا، داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن الزامي است.

تبصره 3- رئيس قوه قضائيه مي تواند براي صلح و سازش در دعاوي احوال شخصيه اقليتهاي ديني موضوع اصل سيزدهم (13) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران شوراي حل اختلاف خاص تشكيل دهد.

اعضاء اين شورا بايد متدين به دين خود باشند.

ماده 7: قضات (به استثناء قضات شورا)، کارکنان دادگستري، وکلاء و مشاوران حقوقي و پرسنل نيروي انتظامي و اطلاعاتي تا زماني که در سمتهاي شغلي خود هستند حق عضويت در شورا را ندارند.

مبحث چهارم: صلاحيت شورا

ماده 8: در موارد زير شورا با تراضي طرفين براي صلح و سازش اقدام مي نمايد:

الف) کليه امور مدني و حقوقي.

ب) کليه جرايم قابل گذشت.

ج) جنبه خصوصي جرايم غيرقابل گذشت.

تبصره- در صورتي که رسيدگي شورا با درخواست يکي از طرفين صورت پذيرد و طرف ديگر تا پايان جلسه اول عدم تمايل خود را براي رسيدگي در شورا اعلام نمايد شورا درخواست را بايگاني و طرفين را به مرجع صالح راهنمايي مي نمايد.

ماده 9: شورا در موارد زير رسيدگي و مبادرت به صدور رأي مي نمايد:

الف) در جرايم بازدارنده و اقدامات تأميني و تربيتي و امور خلافي از قبيل تخلفات راهنمايي و رانندگي که مجازات نقدي قانوني آن حداکثر و مجموعاً تا سي ميليون (30.000.000) ريال و يا سه ماه حبس باشد.

ب) تأمين دليل

تبصره- شورا مجاز به صدور حکم حبس نمي باشد.

ماده 10: دعاوي زير قابليت طرح در شورا را حتي با توافق طرفين ندارد.

الف) اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب.

ب ) اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت،

ج ) دعاوی راجع به حجر و ورشستگی.

د ) دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی.

هـ) اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضایی غیردادگستری می‌باشد.

ماده 11: قاضی شورا در موارد زیر با مشورت اعضای شورای حل اختلاف رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

الف ) دعاوی مالی در روستا تا بیست میلیون (20.000.000) ریال و در شهر تا پنجاه میلیون (50.000.000) ریال.

ب ) کلیه دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعاوی مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه.

ج ) صدور گواهی حصررأث، تحریر ترکه، مهرموم ترکه و رفع آن.

د ) ادعای اعسار از پرداخت محکومیه در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

ماده 12: در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی دادگاه رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش فقط یک‌بار برای مدت حداکثر تا دو ماه موضوع را به شورای حل اختلاف ارجاع نماید.

ماده 13: شورا مکلف است در اجراء ماده فوق برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلت تعیین شده به مرجع قضایی ارجاع کننده برای تنظیم گزارش اصلاحی یا ادامه رسیدگی مستنداً اعلام نماید.

ماده 14: شورا باید اقدامات لازم را برای حفظ اموال صغیر، مجنون، شخص غیررشید که فاقد ولی یا قیم باشد و همچنین غایب مفقودالاثر، ماترك متوفای بلاوارث و اموال مجهول‌المالك به عمل آورد و بلافاصله مراتب را به مراجع صالح اعلام کند.

شورا حق دخل و تصرف در هیچ يك از اموال مذکور را ندارد.

ماده 15: در صورت اختلاف در صلاحیت محلی شوراهای به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

الف) در مورد شوراهای واقع در يك حوزه قضایی، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی همان حوزه است.

ب) در مورد شوراهای واقع در حوزه‌های قضایی يك شهرستان یا استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضایی شهرستان مرکز استان است.

ج) در مورد شوراهای واقع در دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی است که ابتدائاً به صلاحیت شورای واقع در آن استان اظهارنظر شده است.

ماده 16: در صورت بروز اختلاف در صلاحیت شورا با سایر مراجع قضایی غیردادگستری در يك حوزه قضایی، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضایی مربوط است و در حوزه‌های قضایی مختلف يك استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز همان استان است. در صورت تحقق اختلاف شورا با مراجع قضایی واقع در حوزه دو استان به ترتیب مقرر در بند «ج» ماده (15) این قانون عمل خواهد شد.

ماده 17: در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین شورا و مرجع قضایی، نظر مرجع قضایی لازم‌الاتباع است.

مبحث پنجم: ترتیب رسیدگی در شورا

ماده 18: رسیدگی شورا با درخواست کتبی یا شفاهی به عمل می‌آید. درخواست شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء خواهان یا متقاضی می‌رسد.

ماده 19: درخواست رسیدگی متضمن موارد زیر است:

الف ) نام و نام خانوادگی، مشخصات و نشانی طرفین دعوا.

ب ) موضوع خواسته یا درخواست یا اتهام

ج ) دلایل و مستندات درخواست.

ماده 20: رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

تبصره 1- اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است.

تبصره 2- مقررات ناظر به وکالت، صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، از حکم مقرر در ماده فوق مستثنی و تابع این قانون است.

ماده 21: رسیدگی شورا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

تبصره 1: منظور از تشریفات، رسیدگی در این ماده مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است.

تبصره2: چنانچه خواننده با دعوت شورا در جلسه رسیدگی حاضر نشود و یا لایحه‌ای ارسال نکند و این دعوت مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به ابلاغ نباشد، شورا مکلف است او را با ارسال اخطاریه دعوت کند.

ماده22: در مواردی که دعوی طاری یا مرتبط با دعوی اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضایی صالح به عمل می‌آید.

ماده 23: شورا علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین می‌تواند تحقیق محلی، معاینه محل، تأمین دلیل را نیز با ارجاع رئیس شورا توسط یکی از اعضاء به عمل آورد.

ماده 24: رسیدگی شورا در امور مدنی مستلزم پرداخت سی‌هزار (30.000) ریال و در امور کیفری پنج‌هزار (5000) ریال به عنوان هزینه دادرسی است.

درآمد حاصل از هزینه دادرسی و موارد دیگر به خزانه واریز و صددرصد (100%) آن طبق بودجه سالانه به شوراهای حل اختلاف اختصاص می‌یابد تا در جهت تأمین هزینه‌های شورا صرف شود.

مبحث ششم- اتخاذ تصمیم و صدور رأی

ماده 25: در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد گزارش اصلاحی صادر و پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می‌شود، در غیر اینصورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده است در صورتمجلس منعکس و مراتب به مرجع قضایی صالح اعلام می‌شود.

ماده 26: در صورت عدم حصول سازش، چنانچه موضوع مطابق ماده (12) در صلاحیت شورا باشد قاضی شورا پس از مشورت با اعضاء شورا و اخذ نظریه کتبی آنها رأی مقتضی صادر می‌کند و در این صورت تنها نظر قاضی ملاک اخذ تصمیم و صدور رأی است. نظر اعضا شورا و مستندات باید ثبت و در پرونده منعکس شود.

ماده 27: طرفین می‌توانند شخصاً در شورا حضور یافته یا از وکیل استفاده نمایند.

ماده 28: رأی صادره از سوی قاضی شورا حضوری است مگر اینکه محکوم علیه یا وکیل او در هیچ یک از جلسات رسیدگی با عذروجه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد.

ماده 29: محکوم علیه غایب حق دارد به رأی غیابی طرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی، اعتراض نماید این اعتراض واخواهی نامیده می‌شود و قابل رسیدگی است.

ماده 30: گزارش اصلاحی شورا قابل اعتراض نمی‌باشد و قطعی است.

ماده 31: کلیه آراء صادره موضوع مواد (9) و (11) این قانون طرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی می‌باشد. مرجع تجدیدنظر از آراء شورا، قاضی شورا و مرجع تجدیدنظر از آراء قاضی شورا دادگاه عمومی همان حوزه قضایی می‌باشد. چنانچه مرجع تجدیدنظر آراء صادره را نقض نماید رأساً مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ماده 32: هرگاه در تنظیم یا نوشتن رأی سهو قلم رخ بدهد مانند از قلم افتادن کلمه‌ای یا اضافه شدن آن و یا اشتباه در محاسبه صورت گرفته باشد تا وقتی که نسبت به آراء مذکور اعتراض نشده است، قاضی شورا با درخواست ذی‌نفع رأی را تصحیح می‌کند و رأی تصحیح شده به طرفین ابلاغ خواهد شد. تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رأی تصحیح شده ممنوع است.

ماده33: اجراء آراء قطعی در امور مدنی به درخواست ذی‌نفع و با دستور قاضی شورا پس از صدور برگه اجرائیه مطابق مقررات مربوط به اجراء احکام دادگاهها توسط واحد اجرای احکام دادگستری محل به عمل می‌آید.

ماده34: چنانچه محکوم علیه، محکوم‌به را پرداخت نکند و اموالی از وی به دست نیابد با تقاضای ذی‌نفع و دستور قاضی مراتب جهت اعمال قانون نحوه اجراء محکومینهای مالی به اجراء احکام دادگستری اعلام می‌شود.

مبحث هفتم- سایر مقررات

ماده35: عضویت در شورا افتخاری است. لیکن قوه‌قضائیه به تناسب فعالیت و میزان همکاری قضات، اعضاء و کارکنان شورا پاداش مناسب پرداخت می‌کند.

ماده36: در صورت فوت یا استعفاء یا عزل اعضاء شورا عضو علی‌البدل با دعوت رئیس حوزه قضایی جایگزین عضو مذکور می‌شود.

ماده 37: در غیاب عضو شورا با دعوت رئیس شورا عضو علی‌البدل عهده‌دار وظیفه وی خواهد شد.

ماده 38: چنانچه اعضاء شورا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب تخلف شوند و یا حضور و مشارکت مناسب در جلسات شورا نداشته باشند یا شرایط عضویت در شورا را از دست بدهند رئیس حوزه قضایی مراتب را مستنداً جهت رسیدگی به هیأت تخلفات اعضاء شورا اعلام می‌کند.

ماده 39: هیأت رسیدگی کننده به تخلفات مرکب از نماینده‌ای از سوی دادسرای انتظامی قضات، رئیس شورای حل اختلاف استان و مسؤول حفاظت و اطلاعات دادگستری استان خواهد بود.

ماده40: اعضاء هیأت رسیدگی کننده با ابلاغ رئیس قوه‌قضائیه برای مدت سه سال منصوب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده 41: چنانچه هیأت رسیدگی کننده پس از دعوت از عضو شورا و شنیدن اظهارات و دفاعیات وی فقدان یکی از شرایط عضویت یا غیبت غیرمجاز او را احراز

نماید حکم به عزل وي صادر مي‌کند، اين حکم قطعي است.

ماده 42: چنانچه قاضي شورا در انجام وظائف قانوني مربوط به شورا، مرتكب تخلف شود مراتب توسط رئيس حوزه قضايي يا هيأت موضوع ماده (40) اين قانون به دادسرا انتظامي قضات اعلام مي‌شود تا مطابق مقررات مربوط به تخلفات و جرايم قضات رسيدگي شود.

ماده 43: چنانچه اعضاء شورا در مقابل دريافت وجه يا سند پرداخت وجه يا مال يا ارايه خدمت به نفع يکي از طرفين اظهارنظر کنند، به مجازات بزه موضوع ماده (588) قانون مجازات اسلامي مصوب 2/3/75 محکوم خواهند شد.

ماده 44: چنانچه اعضاء شورا در آزمون استخدام قضات، وکالت دادگستري، مشاور حقوقي يا کارشناس رسمي دادگستري پذيرفته شوند و حداقل سه سال سابقه همکاري با شورا داشته باشند و حسن سابقه آنان به تأييد رئيس کل شوراهای حل اختلاف استان برسد مدت کارآموزي آنان به نصف، تقليل خواهد يافت.

ماده 45: پرونده‌هايي که تا زمان اجراء اين قانون منتهي به اتخاذ تصميم نشده باشد، با رعايت مقررات اين قانون در شوراهای حل اختلاف رسيدگي و نسبت به آنها اتخاذ تصميم خواهد شد.

ماده 46: چنانچه به اعضاء شورا در مقام انجام وظيفه و يا به مناسبت آن توهين شود، مرتكب به مجازات بزه موضوع ماده (609) قانون مجازات اسلامي مصوب 2/3/1375 محکوم خواهد شد.

ماده 47: در مواردی که شورا به عنوان داور مورد توافق طرفين به دعاوي و اختلافات رسيدگي مي‌کند رعايت مقررات مربوط به داوري مطابق قانون آيين دادرسي مدني دادگاه عمومي و انقلاب الزامي است.

ماده 48: جهت تقويت و توسعه شوراهای، وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتي و عمومي و قضايي ملزم به همکاري با اين نهاد، به ويژه تأمين و تخصيص نيروي اداري و قضايي لازم از طريق مأمور به خدمت شدن کارکنان دولت در شوراهای هستند.

ماده 49: دولت هر ساله بودجه مورد نیاز شوراهای را براساس بودجه پيشنهادي قوه قضائيه در قالب ردیف مستقل پيش‌بيني مي‌کند، تأمين امکانات اداري و تجهيزات و مکان و امور مالي و پشتيباني شوراهای حل اختلاف به عهده قوه قضائيه است.

ماده 50: آيين نامه اجرائي اين قانون ظرف مدت سه ماه از تاريخ تصويب توسط وزير دادگستري تهيه و به تصويب رئيس قوه قضائيه مي‌رسد.

ماده 51: کليه قوانين و مقررات مغاير با اين قانون ملغي‌الآثر اعلام مي‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر پنجاه و يك ماده و ده تبصره در جلسه مورخ هجدم تيرماه يکهزار و سيصد و هشتاد و هفت کميسيون قضايي و حقوقي مجلس شوراي اسلامي طبق اصل هشتاد و پنج (85) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران تصويب گردید و پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشي آن به مدت پنج‌سال، در تاريخ 16/5/1387 به تأييد شوراي نگهبان رسيد.

### علي لاريچاني

### رئيس مجلس شوراي اسلامي

ذکر منبع در استفاده از مطالب و تصاویر الزامی است.

Copyright 2010 by شورای حل اختلاف استان تهران